

**صدور ۵ حکم انتصاب در وزارت خارجه**

**گعده بارفقا جنب باغ ملی!**

**مشاور فرهنگی در کدام چارت وزارت خارجه است؟**

صفحه ۳

**روزنامه صبح ایران**

**سه شنبه**

۱۴۰۱۰۰۴۰۱۴

۵ ذی الحجه ۱۴۴۳

۵ جولای ۲۰۲۲

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

armanmeli.ir

**پرونده هسته‌ای در گفت‌وگوی «آرمان ملی» با مهدی مطهر نیا:**

**تله استراتژیک برای فشار به ایران**

**کشورهای غربی از سیاست کیش و مات علیه ایران استفاده می‌کنند**

**آرمان ملی:** «دولت رئیسی اگر امروز نیز توافق کند دستاوردی کمتر از آنچه در برجام سال ۲۰۱۵ دولت ایران به دست آورد به دست خواهد آورد. دولت امروز قصد دارد با طرف مقابل توافق کند.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر مهدی مطهر نیا تحلیلگر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مطهر نیا در این گفت‌وگو ...

صفحه ۶

در پی افزایش فشارها بر بازار اجاره مسکن رقم خورد:

# رواج «شرخری» در بازار اجاره

● شرخرها افرادی هستند که با دریافت مبالغ ۲ تا ۳۰ میلیون تومانی و متناسب با سختی‌های کار، ظرف ۲۴ ساعت شر مستاجر از همه جا مانده را کم می‌کنند

صفحه ۴

**سخن روز**

**مجلس و ملزومات کشور**

**محمود صدری**

کارشناس مسائل سیاسی

مجلس یازدهم در حوزه اقتصادی با دو واقعیت مکمل روبه‌رو است. واقعیت اول، شاخص‌های اقتصادی است که وضعیت مطلوبی ندارند. واقعیت دوم، چشم‌انداز مردم است که طولانی‌تر شدن آن موجب کاهش امید به آینده می‌شود. تجربه‌های پیشین اقتصاد ایران و آموزه‌های بنیادی علم اقتصاد می‌گوید مسائل اقتصادی کنونی، موضوعات تکنیکی یا نتایج کم‌کاری...

صفحه ۲

**یادداشت ۱**

**چیزی جز مذاکره وجود ندارد**

**امیرعلی ابوالفتح**

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

آمریکایی‌ها یک سال است که می‌گویند پنجره مذاکرات در حال بسته شدن است و اگر قرار بود که پنجره بسته شود تاکنون بسته شده بود. لذا این نوع اظهار نظرات یا گمانه‌زنی‌ها رسانه‌ای است یا ادعاهایی که پایه و اساس درستی ندارد و عملیاتی نمی‌شود. به عبارت دیگر چیزی جز مذاکره وجود ندارد و نه ایران ...

صفحه ۲

**یادداشت ۲**

**شرط شرطی نشدن اقتصاد**

**هادی حق‌شناس**

اقتصاددان

نوع رفتار سیاسی دولت حداقل به صورت شکلی به این صورت است که اصلاً نیاز به برجام ندارد و همان نکته‌ای که رئیس‌جمهور مرتباً تکرار می‌کند، این است که اقتصاد ایران را شرطی نمی‌کنیم. مجموعه رفتار این را نشان می‌دهد که نمی‌خواهند اقتصاد ایران را به برجام وصل بکنند. اگر این راهبرد دولت را...

همین صفحه

**«آرمان ملی» مناظره ۱۰ اینستاگرامی محسن هاشمی و مجید حسینی را بررسی می‌کند**

**مناظره یا هیاهو؟**

**مناظره میان محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تجم و سید مجید حسینی، مشاور محمدباقر قالیباف در زمان شهرداری پس از آنکه به جنجال کشید قطع شد**

**آرمان ملی:** عملکرد اغلب نهادها اعم از دولت‌ها، مجالس، شهرداری‌ها و شوراهای شهر همواره محل انتقادات بوده است و هر کسی از ظن خود این عملکردها را مورد بحث و بررسی و انتقاداتی قرار می‌داده است. این در حالی است که در حوزه مدیریت شهری از آنجا که برخی از افراد از دانش لازم برای بررسی و تحلیل عملکردها برخوردار نیستند تلاش دارند با کمک گرفتن از سایر مسائل موضوع اصلی را تحت‌الشعاع ...

صفحه ۳

**تداوم رکود در سایه کمبود نقدینگی**

**صفحه ویژه به مناسبت هفته صنعت و معدن**

صفحه ۱۰

**«آرمان ملی» از تداوم یک زخم کهنه در کشور و مرگ خاموش انسان‌ها گزارش می‌دهد**

**نشسته در غبار**

**با هجوم گردوغبار ۷۶ نفر در استان خوزستان در آی‌سی‌یو بستری شدند**

صفحه ۷

عکس: سیدسعید رضازوری

**رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری:**

**دولت به دنبال توسعه ارتباطات با شبکه نخبگانی در عرصه‌های مختلف است**

**آرمان ملی:** نشست تخصصی « نقش کارآفرینان پیشرو در اقتصاد کشور» با هدف مشارکت موثر کارآفرینان در فرآیند بررسی مسائل راهبردی بخش اقتصاد در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد. در ابتدای این جلسه کارآفرینان پیشرو کشور هر یک در سخنانی به بیان پیشنهادها و دغدغه‌های خود در عرصه‌های تولید، کارآفرینی و صادرات پرداختند و خواستار رفع مشکلات در این عرصه‌ها با همکاری مرکز بررسی‌های استراتژیک شدند. «تصویب قوانین ضدتوقیف و دست و پاگیر در کشور»، «عدم مشورت با فعالان اقتصادی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی در دولت»، «مشکلات نظام مالیاتی و فقدان مرجعی برای بررسی راهکارهای توسعه صادرات»، «از جمله معضلاتی بود که توسط کارآفرینان و تولیدکنندگان حاضر در این نشست عنوان شد. در ادامه این نشست نیز دکتر محمدصادق خیاطیان، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در سخنانی توسعه شبکه نخبگانی را از مأموریت‌های این مرکز خواند و اظهار کرد: برخی شاید این مأموریت را صرفاً شامل نخبگان علمی و دانشگاهی بدانند اما تعریفی که ما به آن اعتقاد داریم، وسیع‌تر از نخبگان علمی است. در این تعریف صاحبان تجربه، نخبگان بخش‌های مختلف اعم از صنعتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و کارآفرینان در طبقه نخبگانی قرار می‌گیرند. رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری افزود: هدف ما در مرکز این است که با توسعه ارتباطات با این طیف‌ها، شبکه‌سازی گسترده‌ای انجام دهیم و ضمن احصای چالش‌های موجود بر سر راه کارآفرینان و نخبگان عرصه اقتصاد، با راهبردهای مشخصی برای حل این چالش‌ها برسیم و آن را به رئیس‌جمهور انتقال دهیم.

**آیا اقامت اتباع خارجی قانونمند می‌شود؟**

**نعمت احمدی**

حقوقدان

مهاجران افغانستانی هم‌زمان و هم‌دین و بعضاً با ما مذهب مشترک دارند. اعیاد ملی و مذهبی مشترکی داریم. در حوزه مرزهای فرهنگی ایران شناخته می‌شوند. معاهدات کشیده شده تأثیری بر اشتراکات فرهنگی ندارد. اگر با مهاجران افغانستانی برخوردی قانونمندتر داشتیم امروزه بزرگ‌ترین پایگاه فرهنگی، مذهبی را در کشور افغانستان از آن خود ساخته بودیم. لازم را دریافت کرده‌اند و برخی از این افراد هنوز به طرح مراجعه نکرده‌اند و افرادی که مراجعه نکردند از دید ما حضورشان از این پس غیرقانونی است. و خبر خوش‌تر این است که اقامت قانونی به اتباع بیگانه در دستور کار مجلس قرار گرفته است که اگر تصویب شود سازمان ملی مهاجرت ذیل نهاد ریاست جمهوری تشکیل می‌شود که وظیفه آن، سازمان‌دهی کسانی که از ایران مهاجرت کرده‌اند و همچنین مهاجرینی که وارد ایران شده‌اند است. به گفته معاون وزیر کشور، برای مهاجرین یک بانک اطلاعاتی از جمله انگشت‌نگاری و چهره‌نگاری می‌شود و بعد به فرد کارت ملی یکساله (بگویند) ویزای کار یکساله) اعطا می‌شود که با این کارت ملی یکساله، قادر است که ثبت ازدواج داشته باشد و اگر شخص ظرف مدتی کارت ملی اخذ نموده مرتب جرمی نشود و به مهاجر بیش از ۳ سال باز هم مرتب جرمی نشود کارت ملی سه ساله او به کارت ملی ۵ ساله تبدیل می‌شود. درست مانند کشورهای اروپایی که بعد از احراز شرایط کار، اقامت یکساله و سپس دو ساله و در نهایت اقامت دائم کار داده می‌شود در این مراحل باید مالیات‌های متعلقه را بپردازد و اگر مالیات و حق بیمه‌ها را پرداخت کرده و مرتب جرمی نشده باشد و از پس امتحان هم برآید و آن تسلسل بر زبان و تاریخ کشوری که مهاجر ساکن آنجاست مهاجر قانونی به عنوان تبعه شناخته می‌شود. مهاجران افغانستانی تا زمانیکه این دولت قصد آن دارد که اشتباه‌های گذشته را جبران کند و به سکونت بیش از ۲/۵ میلیون نفر تبعه خارجی نظم و نسقی بدهد که تعدادی از این افراد هنوز ثبت نام نکرده‌اند. پس زنده باد مسئولی که بعد از دهه‌ها سال حقوق انسانی مهاجران را می‌خواهد به رسمیت بشناسد.

**لطفاً آدرس غلط ندهید!**

**امیررضوا عواظ آشتیانی**

فعال سیاسی

بزرگ‌ترین خدمتی که آقای رئیسی در دوران مسئولیت‌شان کردند، واکنش‌ناهیون احاد ملت بود که طی آن بیش از ۱۳۰ میلیون دوز واکنس تزریق شد چرا که یک جامعه بانشاط که بناسد در فضای کرونا به سمت کسب و کار حرکت کند، باید از سلامت جسم و روان برخوردار باشد. خوشبختانه این اتفاق یک اتفاق بسیار بزرگ بود که دولت قبل ادعا می‌کرد علت اینکه نمی‌تواند واکنس وارد کند، بحث اف‌ای‌تی‌اف است. در صورتی که در دولت آقای رئیسی شاهد بودیم که این اتفاق افتاد و هیچ ربطی هم به اف‌ای‌تی‌اف نداشت. آقای رئیسی سلامتی را به مردم برگرداند و در عین حال شرایط بحرانی فضای کسب و کار را از دوران کرونا خارج کرد. به لحاظ روحی و روانی مردم شرایط بهتری به‌دست آوردند چرا که اگر فرض را بر این بگذاریم که یک جامعه ثروتمند هم باشد اما سلامت نداشته باشد آن ثروت هیچ ارزشی ندارد از این رو به نظرم این اتفاق قابل قیاس با هیچ یک از عملکردهای دیگر دولت نخواهد بود و یک اتفاق بسیار مهمی بود که صورت گرفت. در بُعد اقتصادی هم کسانی که دو خط اقتصاد هم خوانده باشند، می‌دانند که تصمیماتی که در گذشته مبتنی بر نگاه کارشناسی و عالمانه نبوده، می‌تواند تبعاتش تا سال‌ها ادامه پیدا کند. نه تنها تصمیمات اقتصادی که یکسری تصمیمات هم در شرایط حاضر و هم در شرایط آینده اثرات خود را می‌گذارد. به هر جهت این واقعیت وجود دارد که نواقصی هم در برخی عملکردها می‌تواند وجود داشته باشد ولی در یک اقدام شجاعانه و یک اقدام فارغ از باندبازی، گروه بازی، قبیله بازی شاهد بودیم که آقای رئیسی یکی از وزرای خود را کنار گذاشت و این نشان داد که دولت توسط مردم را و وجه المصلاحه باندبازی و گروه بازی و سیاسی بازی قرار نمی‌دهد. البته عطف به ماسبق نمی‌کنیم ولی ظاهراً تیم رسانه‌ای طیف مخالف آقای رئیسی می‌خواهند اینگونه وانمود کنند که در دولت گذشته گل و بلبل بوده و امروز همه چیز در دولت آقای رئیسی دارد به آشفستگی می‌رسد. در حالی که هر کس دیگری هم رئیس‌جمهور می‌شد باید این مشکلات را پیش‌رو داشت. واقعیت این است که امروز دنیا در بعد اقتصادی حداقل بین ۳۰ تا ۳۵ درصد با گرانی کالاها مواجه است و تورم کل دنیا را فرا گرفته است. جنگ اوکراین و روسیه به این قضیه کمک کرده و مشکلات اقتصادی شامل تمام کشورها حتی اروپا هم

**شرط شرطی نشدن اقتصاد**

**هادی حق‌شناس**

اقتصاددان

نوع رفتار سیاسی دولت حداقل به صورت شکلی به این صورت است که اصلاً نیاز به برجام ندارد و همان نکته‌ای که رئیس‌جمهور مرتباً تکرار می‌کند، این است که اقتصاد ایران را شرطی نمی‌کنیم. مجموعه رفتار این را نشان می‌دهد که نمی‌خواهند اقتصاد ایران را به برجام وصل بکنند. اگر این راهبرد دولت را اصل بگیریم، بنابراین فروش نفت ایران یا تخفیف بیشتر یا کمتر از روسیه یا هر مکانیزمی که بتواند منجر به افزایش فروش نفت شود، دولت آن را انتخاب می‌کند. همچنان که وقتی می‌بینید طبق اطلاعاتی که منتشر شده طی سال گذشته مجموعه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی دوبرابر بیش از سال قبل از آن بوده است. یک دلیل این است که با آمدن رئیس‌جمهور جدید فضای فروش کمی بازتر و سهل‌تر شده ولی یک دلیل دیگر این است که با فروش دولت با تخفیف دارد نفت و فرآورده‌های نفتی را می‌فروشد. لذا میزان فروش نفت در سال گذشته دوبرابر سال قبل البته خود اصل فروش نفت سال گذشته سه برابر سال قبل شده است. این اطلاعاتی که الان در دسترس ما قرار دارد از طرف دیگر راهبردی که دولت انتخاب کرده که اقتصاد ایران را شرطی یا وابسته به برجام نکند در نتیجه این گزاره قابل پذیرش است که دولت در هر حالت چه با دور زدن تحریم‌ها و چه با تخفیف فروش میزان نفت، می‌خواهد نفت بفروشد که به نظر می‌رسد به واقعیت نزدیک باشد. اما از طرف دیگر طبیعی است که فروش نفت ایران و کسب درآمدهای ارزی امروز نیاز اساسی کشور است. هم برای تامین کالاهای اساسی کشور و هم برای انجام پروژه‌های نیمه‌کاره کشور و هم اینکه ارزش دلار امروز مطمئناً بیشتر از ارزش دلار فرادست. همچنان که ارزش دلار دیروز بیشتر از دلار امروز به لحاظ قدرت خرید دلار در دنیا است. منظورم از به کار بردن واژه دیروز یا فردا به‌خاطر یک روز نیست بلکه منظور چند سال گذشته یا چند سال آینده است. بنابراین به نظر می‌رسد که هم به لحاظ اینکه کشور به درآمدهای ارزی نیاز دارد و هم به لحاظ اینکه ارزش منابع ارزی امروز قطعاً بیشتر از درآمدهای ارزی آینده است و از طرفی دیگر هم با توجه به اینکه هدف این است که برجام را شرطی نکنند دولت می‌خواهد از همه ابزارها برای فروش نفت استفاده کند. اما همان‌طور که اوپک و دولت نیز اعلام کردند فروش نفت ایران در سال گذشته نسبت به سال پیش از آن افزایش بوده و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. خود اصل فروش نفت هم سه برابر شده است اما اینکه در زندگی مردم هویدا و پیدانگیز نیست به‌خاطر اینکه وقتی دلار نفتی هم کسب می‌کنید، باید تبدیل به کالا شود و در اختیار مردم قرار بگیرد و برای این منظور دلار باید تبدیل به ریال شود ولی وقتی تفاوت قیمت هر دلار نیمیایی با دلار آزاد بالغ بر هفت هزار تومان است، اثر خودش را روی گرانی کالاها می‌گذارد. به عبارت دیگر ما افزایش تورم را در رشد نقدینگی در اقتصاد می‌بینیم. مثالی می‌زنم؛ اگر دولت خودرو وارد می‌کرد و به قیمت آزاد به مردم می‌فروخت ولی سود بازرگانی یا حقوق گمرکی نمی‌گرفت، قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کرد ولی اینگونه نیست که کالا وارد کند و سود بازرگانی بگیرد. در همین موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و واردات کالا با ارز نیمیایی، مصوبه دولت بود که منجر به این شد که هم سود بازرگانی کم شود و هم مجموع حقوق ورودی کاهش یابد.

**شرط شرطی نشدن اقتصاد**

**هادی حق‌شناس**

اقتصاددان

نوع رفتار سیاسی دولت حداقل به صورت شکلی به این صورت است که اصلاً نیاز به برجام ندارد و همان نکته‌ای که رئیس‌جمهور مرتباً تکرار می‌کند، این است که اقتصاد ایران را شرطی نمی‌کنیم. مجموعه رفتار این را نشان می‌دهد که نمی‌خواهند اقتصاد ایران را به برجام وصل بکنند. اگر این راهبرد دولت را اصل بگیریم، بنابراین فروش نفت ایران یا تخفیف بیشتر یا کمتر از روسیه یا هر مکانیزمی که بتواند منجر به افزایش فروش نفت شود، دولت آن را انتخاب می‌کند. همچنان که وقتی می‌بینید طبق اطلاعاتی که منتشر شده طی سال گذشته مجموعه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی دوبرابر بیش از سال قبل از آن بوده است. یک دلیل این است که با آمدن رئیس‌جمهور جدید فضای فروش کمی بازتر و سهل‌تر شده ولی یک دلیل دیگر این است که با فروش دولت با تخفیف دارد نفت و فرآورده‌های نفتی را می‌فروشد. لذا میزان فروش نفت در سال گذشته دوبرابر سال قبل البته خود اصل فروش نفت سال گذشته سه برابر سال قبل شده است. این اطلاعاتی که الان در دسترس ما قرار دارد از طرف دیگر راهبردی که دولت انتخاب کرده که اقتصاد ایران را شرطی یا وابسته به برجام نکند در نتیجه این گزاره قابل پذیرش است که دولت در هر حالت چه با دور زدن تحریم‌ها و چه با تخفیف فروش میزان نفت، می‌خواهد نفت بفروشد که به نظر می‌رسد به واقعیت نزدیک باشد. اما از طرف دیگر طبیعی است که فروش نفت ایران و کسب درآمدهای ارزی امروز نیاز اساسی کشور است. هم برای تامین کالاهای اساسی کشور و هم برای انجام پروژه‌های نیمه‌کاره کشور و هم اینکه ارزش دلار امروز مطمئناً بیشتر از ارزش دلار فرادست. همچنان که ارزش دلار دیروز بیشتر از دلار امروز به لحاظ قدرت خرید دلار در دنیا است. منظورم از به کار بردن واژه دیروز یا فردا به‌خاطر یک روز نیست بلکه منظور چند سال گذشته یا چند سال آینده است. بنابراین به نظر می‌رسد که هم به لحاظ اینکه کشور به درآمدهای ارزی نیاز دارد و هم به لحاظ اینکه ارزش منابع ارزی امروز قطعاً بیشتر از درآمدهای ارزی آینده است و از طرفی دیگر هم با توجه به اینکه هدف این است که برجام را شرطی نکنند دولت می‌خواهد از همه ابزارها برای فروش نفت استفاده کند. اما همان‌طور که اوپک و دولت نیز اعلام کردند فروش نفت ایران در سال گذشته نسبت به سال پیش از آن افزایش بوده و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. خود اصل فروش نفت هم سه برابر شده است اما اینکه در زندگی مردم هویدا و پیدانگیز نیست به‌خاطر اینکه وقتی دلار نفتی هم کسب می‌کنید، باید تبدیل به کالا شود و در اختیار مردم قرار بگیرد و برای این منظور دلار باید تبدیل به ریال شود ولی وقتی تفاوت قیمت هر دلار نیمیایی با دلار آزاد بالغ بر هفت هزار تومان است، اثر خودش را روی گرانی کالاها می‌گذارد. به عبارت دیگر ما افزایش تورم را در رشد نقدینگی در اقتصاد می‌بینیم. مثالی می‌زنم؛ اگر دولت خودرو وارد می‌کرد و به قیمت آزاد به مردم می‌فروخت ولی سود بازرگانی یا حقوق گمرکی نمی‌گرفت، قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کرد ولی اینگونه نیست که کالا وارد کند و سود بازرگانی بگیرد. در همین موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و واردات کالا با ارز نیمیایی، مصوبه دولت بود که منجر به این شد که هم سود بازرگانی کم شود و هم مجموع حقوق ورودی کاهش یابد.

**شرط شرطی نشدن اقتصاد**

**هادی حق‌شناس**

اقتصاددان

نوع رفتار سیاسی دولت حداقل به صورت شکلی به این صورت است که اصلاً نیاز به برجام ندارد و همان نکته‌ای که رئیس‌جمهور مرتباً تکرار می‌کند، این است که اقتصاد ایران را شرطی نمی‌کنیم. مجموعه رفتار این را نشان می‌دهد که نمی‌خواهند اقتصاد ایران را به برجام وصل بکنند. اگر این راهبرد دولت را اصل بگیریم، بنابراین فروش نفت ایران یا تخفیف بیشتر یا کمتر از روسیه یا هر مکانیزمی که بتواند منجر به افزایش فروش نفت شود، دولت آن را انتخاب می‌کند. همچنان که وقتی می‌بینید طبق اطلاعاتی که منتشر شده طی سال گذشته مجموعه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی دوبرابر بیش از سال قبل از آن بوده است. یک دلیل این است که با آمدن رئیس‌جمهور جدید فضای فروش کمی بازتر و سهل‌تر شده ولی یک دلیل دیگر این است که با فروش دولت با تخفیف دارد نفت و فرآورده‌های نفتی را می‌فروشد. لذا میزان فروش نفت در سال گذشته دوبرابر سال قبل البته خود اصل فروش نفت سال گذشته سه برابر سال قبل شده است. این اطلاعاتی که الان در دسترس ما قرار دارد از طرف دیگر راهبردی که دولت انتخاب کرده که اقتصاد ایران را شرطی یا وابسته به برجام نکند در نتیجه این گزاره قابل پذیرش است که دولت در هر حالت چه با دور زدن تحریم‌ها و چه با تخفیف فروش میزان نفت، می‌خواهد نفت بفروشد که به نظر می‌رسد به واقعیت نزدیک باشد. اما از طرف دیگر طبیعی است که فروش نفت ایران و کسب درآمدهای ارزی امروز نیاز اساسی کشور است. هم برای تامین کالاهای اساسی کشور و هم برای انجام پروژه‌های نیمه‌کاره کشور و هم اینکه ارزش دلار امروز مطمئناً بیشتر از ارزش دلار فرادست. همچنان که ارزش دلار دیروز بیشتر از دلار امروز به لحاظ قدرت خرید دلار در دنیا است. منظورم از به کار بردن واژه دیروز یا فردا به‌خاطر یک روز نیست بلکه منظور چند سال گذشته یا چند سال آینده است. بنابراین به نظر می‌رسد که هم به لحاظ اینکه کشور به درآمدهای ارزی نیاز دارد و هم به لحاظ اینکه ارزش منابع ارزی امروز قطعاً بیشتر از درآمدهای ارزی آینده است و از طرفی دیگر هم با توجه به اینکه هدف این است که برجام را شرطی نکنند دولت می‌خواهد از همه ابزارها برای فروش نفت استفاده کند. اما همان‌طور که اوپک و دولت نیز اعلام کردند فروش نفت ایران در سال گذشته نسبت به سال پیش از آن افزایش بوده و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. خود اصل فروش نفت هم سه برابر شده است اما اینکه در زندگی مردم هویدا و پیدانگیز نیست به‌خاطر اینکه وقتی دلار نفتی هم کسب می‌کنید، باید تبدیل به کالا شود و در اختیار مردم قرار بگیرد و برای این منظور دلار باید تبدیل به ریال شود ولی وقتی تفاوت قیمت هر دلار نیمیایی با دلار آزاد بالغ بر هفت هزار تومان است، اثر خودش را روی گرانی کالاها می‌گذارد. به عبارت دیگر ما افزایش تورم را در رشد نقدینگی در اقتصاد می‌بینیم. مثالی می‌زنم؛ اگر دولت خودرو وارد می‌کرد و به قیمت آزاد به مردم می‌فروخت ولی سود بازرگانی یا حقوق گمرکی نمی‌گرفت، قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کرد ولی اینگونه نیست که کالا وارد کند و سود بازرگانی بگیرد. در همین موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و واردات کالا با ارز نیمیایی، مصوبه دولت بود که منجر به این شد که هم سود بازرگانی کم شود و هم مجموع حقوق ورودی کاهش یابد.

**شرط شرطی نشدن اقتصاد**

**هادی حق‌شناس**

اقتصاددان

نوع رفتار سیاسی دولت حداقل به صورت شکلی به این صورت است که اصلاً نیاز به برجام ندارد و همان نکته‌ای که رئیس‌جمهور مرتباً تکرار می‌کند، این است که اقتصاد ایران را شرطی نمی‌کنیم. مجموعه رفتار این را نشان می‌دهد که نمی‌خواهند اقتصاد ایران را به برجام وصل بکنند. اگر این راهبرد دولت را اصل بگیریم، بنابراین فروش نفت ایران یا تخفیف بیشتر یا کمتر از روسیه یا هر مکانیزمی که بتواند منجر به افزایش فروش نفت شود، دولت آن را انتخاب می‌کند. همچنان که وقتی می‌بینید طبق اطلاعاتی که منتشر شده طی سال گذشته مجموعه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی دوبرابر بیش از سال قبل از آن بوده است. یک دلیل این است که با آمدن رئیس‌جمهور جدید فضای فروش کمی بازتر و سهل‌تر شده ولی یک دلیل دیگر این است که با فروش دولت با تخفیف دارد نفت و فرآورده‌های نفتی را می‌فروشد. لذا میزان فروش نفت در سال گذشته دوبرابر سال قبل البته خود اصل فروش نفت سال گذشته سه برابر سال قبل شده است. این اطلاعاتی که الان در دسترس ما قرار دارد از طرف دیگر راهبردی که دولت انتخاب کرده که اقتصاد ایران را شرطی یا وابسته به برجام نکند در نتیجه این گزاره قابل پذیرش است که دولت در هر حالت چه با دور زدن تحریم‌ها و چه با تخفیف فروش میزان نفت، می‌خواهد نفت بفروشد که به نظر می‌رسد به واقعیت نزدیک باشد. اما از طرف دیگر طبیعی است که فروش نفت ایران و کسب درآمدهای ارزی امروز نیاز اساسی کشور است. هم برای تامین کالاهای اساسی کشور و هم برای انجام پروژه‌های نیمه‌کاره کشور و هم اینکه ارزش دلار امروز مطمئناً بیشتر از ارزش دلار فرادست. همچنان که ارزش دلار دیروز بیشتر از دلار امروز به لحاظ قدرت خرید دلار در دنیا است. منظورم از به کار بردن واژه دیروز یا فردا به‌خاطر یک روز نیست بلکه منظور چند سال گذشته یا چند سال آینده است. بنابراین به نظر می‌رسد که هم به لحاظ اینکه کشور به درآمدهای ارزی نیاز دارد و هم به لحاظ اینکه ارزش منابع ارزی امروز قطعاً بیشتر از درآمدهای ارزی آینده است و از طرفی دیگر هم با توجه به اینکه هدف این است که برجام را شرطی نکنند دولت می‌خواهد از همه ابزارها برای فروش نفت استفاده کند. اما همان‌طور که اوپک و دولت نیز اعلام کردند فروش نفت ایران در سال گذشته نسبت به سال پیش از آن افزایش بوده و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. خود اصل فروش نفت هم سه برابر شده است اما اینکه در زندگی مردم هویدا و پیدانگیز نیست به‌خاطر اینکه وقتی دلار نفتی هم کسب می‌کنید، باید تبدیل به کالا شود و در اختیار مردم قرار بگیرد و برای این منظور دلار باید تبدیل به ریال شود ولی وقتی تفاوت قیمت هر دلار نیمیایی با دلار آزاد بالغ بر هفت هزار تومان است، اثر خودش را روی گرانی کالاها می‌گذارد. به عبارت دیگر ما افزایش تورم را در رشد نقدینگی در اقتصاد می‌بینیم. مثالی می‌زنم؛ اگر دولت خودرو وارد می‌کرد و به قیمت آزاد به مردم می‌فروخت ولی سود بازرگانی یا حقوق گمرکی نمی‌گرفت، قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کرد ولی اینگونه نیست که کالا وارد کند و سود بازرگانی بگیرد. در همین موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و واردات کالا با ارز نیمیایی، مصوبه دولت بود که منجر به این شد که هم سود بازرگانی کم شود و هم مجموع حقوق ورودی کاهش یابد.

**شرط شرطی نشدن اقتصاد**

**هادی حق‌شناس**

اقتصاددان

نوع رفتار سیاسی دولت حداقل به صورت شکلی به این صورت است که اصلاً نیاز به برجام ندارد و همان نکته‌ای که رئیس‌جمهور مرتباً تکرار می‌کند، این است که اقتصاد ایران را شرطی نمی‌کنیم. مجموعه رفتار این را نشان می‌دهد که نمی‌خواهند اقتصاد ایران را به برجام وصل بکنند. اگر این راهبرد دولت را اصل بگیریم، بنابراین فروش نفت ایران یا تخفیف بیشتر یا کمتر از روسیه یا هر مکانیزمی که بتواند منجر به افزایش فروش نفت شود، دولت آن را انتخاب می‌کند. همچنان که وقتی می‌بینید طبق اطلاعاتی که منتشر شده طی سال گذشته مجموعه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی دوبرابر بیش از سال قبل از آن بوده است. یک دلیل این است که با آمدن رئیس‌جمهور جدید فضای فروش کمی بازتر و سهل‌تر شده ولی یک دلیل دیگر این است که با فروش دولت با تخفیف دارد نفت و فرآورده‌های نفتی را می‌فروشد. لذا میزان فروش نفت در سال گذشته دوبرابر سال قبل البته خود اصل فروش نفت سال گذشته سه برابر سال قبل شده است. این اطلاعاتی که الان در دسترس ما قرار دارد از طرف دیگر راهبردی که دولت انتخاب کرده که اقتصاد ایران را شرطی یا وابسته به برجام نکند در نتیجه این گزاره قابل پذیرش است که دولت در هر حالت چه با دور زدن تحریم‌ها و چه با تخفیف فروش میزان نفت، می‌خواهد نفت بفروشد که به نظر می‌رسد به واقعیت نزدیک باشد. اما از طرف دیگر طبیعی است که فروش نفت ایران و کسب درآمدهای ارزی امروز نیاز اساسی کشور است. هم برای تامین کالاهای اساسی کشور و هم برای انجام پروژه‌های نیمه‌کاره کشور و هم اینکه ارزش دلار امروز مطمئناً بیشتر از ارزش دلار فرادست. همچنان که ارزش دلار دیروز بیشتر از دلار امروز به لحاظ قدرت خرید دلار در دنیا است. منظورم از به کار بردن واژه دیروز یا فردا به‌خاطر یک روز نیست بلکه منظور چند سال گذشته یا چند سال آینده است. بنابراین به نظر می‌رسد که هم به لحاظ اینکه کشور به درآمدهای ارزی نیاز دارد و هم به لحاظ اینکه ارزش منابع ارزی امروز قطعاً بیشتر از درآمدهای ارزی آینده است و از طرفی دیگر هم با توجه به اینکه هدف این است که برجام را شرطی نکنند دولت می‌خواهد از همه ابزارها برای فروش نفت استفاده کند. اما همان‌طور که اوپک و دولت نیز اعلام کردند فروش نفت ایران در سال گذشته نسبت به سال پیش از آن افزایش بوده و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به ۳۹ میلیارد دلار رسیده است. خود اصل فروش نفت هم سه برابر شده است اما اینکه در زندگی مردم هویدا و پیدانگیز نیست به‌خاطر اینکه وقتی دلار نفتی هم کسب می‌کنید، باید تبدیل به کالا شود و در اختیار مردم قرار بگیرد و برای این منظور دلار باید تبدیل به ریال شود ولی وقتی تفاوت قیمت هر دلار نیمیایی با دلار آزاد بالغ بر هفت هزار تومان است، اثر خودش را روی گرانی کالاها می‌گذارد. به عبارت دیگر ما افزایش تورم را در رشد نقدینگی در اقتصاد می‌بینیم. مثالی می‌زنم؛ اگر دولت خودرو وارد می‌کرد و به قیمت آزاد به مردم می‌فروخت ولی سود بازرگانی یا حقوق گمرکی نمی‌گرفت، قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کرد ولی اینگونه نیست که کالا وارد کند و سود بازرگانی بگیرد. در همین موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و واردات کالا با ارز نیمیایی، مصوبه دولت بود که منجر به این شد که هم سود بازرگانی کم شود و هم مجموع حقوق ورودی کاهش یابد.

**گفت‌وگوی وزیر خارجه استرالیا و گروسی در باره برنام‌ه هسته‌ای ایران**

**آرمان ملی:** وزیر امور خارجه استرالیا از گفت‌وگوی خود با مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی در میان دیگر موضوعات مورد بحث در سفر مدیر کل آژانس به استرالیا خبر داد. رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیروز در سفر به استرالیا با پتی ونگ، وزیر امور خارجه این کشور دیدار کرد و درباره مسائل مختلفی از جمله خریداری زیردریایی‌های اتمی توسط استرالیا از ذیل توافق تسلیحاتی AUKUS (استرالیا، انگلیس و آمریکا) و ایران گفت‌وگو کردند. گروسی کارگروهی برای تحقیق درباره جوانب پادمانی و قانونی این توافق تشکیل داده است. استرالیا ذیل این توافق این شناورها را با آژانس آمریکا از انگلیس خریداری خواهد کرد. آژانس باید اطمینان حاصل کند که استرالیا از معاهده منع اشاعه تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی) تخلفی نخواهد کرد. نگرانی‌هایی جهانی وجود دارد که کشورهای دیگر با دنباله‌روی از استرالیا به دنبال دست یافتن به زیردریایی‌های اتمی باشند. ونگ و گروسی درباره آن به «چالش‌های اشاعه تسلیحات اتمی در ایران و کره شمالی» خوانده شده نیز گفت‌وگو کرده‌اند. وزیر امور خارجه استرالیا در این باره گفت: کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای کمک به صلح و امنیت جهانی هیچ‌گاه تا این اندازه اهمیت و فوریت نداشته است.